



آیه الله
فاضل لنکرانی

عضو جامعه مدرسین و شورای مدیریت مدرسه فیضیه



در راه فُتْلِكْ

نفاق ، معلومات رسول الله (ص) را علم کرده و قرآن را دستساز و تراوشات فکری و روحی حضرتش می دانستند . به شهادت تاریخ ، مخالفین هرگز از درین خواندن وی سخن نپیمان نیاورده و لب به اعتراض نگشودماند .

بنا بر این اگر بگوئیم انسان درس خوانده و کلاسی ندیده ، با عرضه داشتن کتابی که مالا مال از معارف عقلی و دقائق علمی و فلسفی است ، معجزه بودن و آسمانی بودن خود را به اثبات رسانیده ، و با این پیام غیبی در طول تاریخ افکار فلاسفه و اندیشمندان بزرگ شرق و غرب را مبهور و متحیر ساخته ، از حقیقت دور نشده ، آسمانی و الهی بودنش را با اثبات رسانده ایم .

ناتیا : با چشم پوئی از این حقیقت مسلم تاریخی ، اگر بفرض بگوئیم رسول الله فردی تحصیل کرده و به اصطلاح روشنفکر زمان خود

قرآن و معارف اعتقادی

اگر صفحات تاریخ را ورق بزنیم ، و با زندگی رسول الله (ص) مختصر آشنائی داشته باشیم ، فهم این بعد از "عجاز قرآن" برای همه انسانها در همه نسلها روشن و بدیهی است .

اولا : ما بر اساس فهم تاریخیمان ، معتقدیم پیامبر بزرگ اسلام فردی درس خوانده و "آمی" بوده ، دلیل روشن این هم آن است که خود ایشان بارها آمی بودن خود را مطرح کرده ، ولی مخالفین هیچگاه در مقابل این ادعای او به سخن نگشوده و اعتراض نکرده اند . اگر او درس خوانده بود ، بطور قطع مخالفین و مروجین باطل و پرچمداران کفر و

بوده ، و معارف قرآنی را از دیگران فراگرفته است ، باز خواهیم گفت : شما که ادعا میکنید پیامبر آن همه دقائق علمی و فلسفی و ... از دانشمندان عصر خود گرفته ، و از تراوشات فکری و روحی آنان الهام گرفته است ، آیا کدام یک از معارف قرآنی با افکار و اندیشه های موجود در عصر رسول الله سنخیت و هم گونی دارد ؟ !

مگر تاریخ زنده بگور کردن دختران را در زمان جاهلیت فراموش کرده ؟ و مگر مخالفت رسول الله را با این جریان ضد انسانی از یاد برده است ؟ مگر بت پرستیها و خرما پرستیها و چوب پرستیها و ستاره پرستیهای زمان جاهلیت فراموش شدنی ، و مخالفتهای شبانه روزی رسول الله (ص) با این بینش انسان زدائی و نفی اصالت انسان ، قابل انکار و نادیده گرفتن است ؟ !

به شهادت تاریخ ، بطور کلی انسان های موجود در عصر رسول الله (ص) را میتوان در دو بخش خلاصه کرد :

در آن زمان عده ای تنها غرق در اوهاام و خرافات زمان جاهلیت بسر می بردند ، و دستمای نیز که جز اندیشمندان به حساب می آمدند ، بر اساس معتقدات مذهبی شان ، معارف و علوم و داستانهای گذشتگان را از کتابهایی همچون تورات ، انجیل و ... بدست آورده ، و سعی در پخش و نشر اینگونه معارف داشته اند . این کتابها نیز به شهادت انسانهای اندیشمند و حقیقت بین بدلیل دستبردهای استثمارگرانه و استثمارگرانه و استثمارگرانه ، ملو از خرافات و بینشهای غیر الهی و تخدیر آمیز و در جهت منافع ملحدین و مروجین باطل و اوهاام بوده است . بر همین اساس می بینیم بابت رسول الله هر دو گروه با حضرتش به مخالفت برخاسته ، و او نیز با الهام از غیب به نوآوریها پرداخته ، و خط بطلان بر روی همه آنها کشیده ، و با ندای :

"وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ" (۱)



دیگر کتابهای آسمانی را خاتمه بافتا اعلام نموده است.

اینها همگی حاکی از آسمانی بودن قرآن و الهی بودن آن است.

و بدیگر سخن ، اگر کمی در نوشته ها و کتابهای موجود در زمانمان بنگریم ، خواهیم دید اکثر نوشته های یک مؤلف ، نوشتاریست از دیگر نوشته ها و الهامی است از دیگر اندیشمندان عصر حاضر .

اگر رسول الله (ص) نیز اندیشه های را از دیگران الهام می گرفت ، می بایست اکثر مطالب قرآن نموداری از انجیل و تورات ، و الهامی از دیگر اندیشه های حاکم بر عصر خود باشد . در حالی که قرآن نه تنها سخنی با انجیل و تورات نداشته و ندارد ، بلکه با صراحت و قاطعیت و با شعار " كُنْ يُقْبَلُ مِنْهُ " بر همه کتابهای آسمانی موجود خط بطلان کشیده ، و با تمام خرافه های زمان خویش به ستیز برخاسته است ، و آنهم ستیزی در بستر زمان و الی یوم القیامه .

بیشتر مقایسه ای

اکنون به قرآن برمیگردیم و آیات آن را با دیگر کتابهای آسمانی و اندیشه ها مقایسه می کنیم تا ببینیم کدام یک از اصالت برخوردار بوده ، و کدامینشان توان بازگویی حقایق علمی ، فلسفی و ... دارند؟

خداشناسی: خداشناسی یکی از والاترین مسائل فلسفی و کلامی است . هم در قرآن و هم در انجیل و تورات از صفات خدا سخن به میان آمده (بخش عمده قرآن را خداشناسی تشکیل می دهد) . ابتدا به آیات قرآن نظر می افکنیم و آنگاه از انجیل و تورات آیاتی را بازگو می کنیم سپس ببینیم کدام یک ، از واقعیتها سخن گفته و آنچه شایسته مقام ربوبی است اداء نموده است ، و کدام یک به گزاره کوئی و باوه سرائی و خرافه کوئی و نفی الوهیت

الله ، پرداخته است .

حال آیاتی چند از قرآن را در زمینه خداشناسی با هم میخوانیم :

- ۱- " قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ، اللَّهُ الصَّمَدُ ، " " لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ " " كُفُوًا أَحَدٌ " (سوره اخلاص - ۴)

بگو او خدای یکتا است ، خدائی که از همه بی نیاز و همه عالم نیازمند او است . نه کسی فرزند او و نه او فرزند کسی است ، و نه هیچ کس همتای او است .

- ۲- " هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ " " الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُنِيرُ مِنَ الظُّلُمَاتِ " " الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ ، سُبْحَانَ اللَّهِ " " عَمَّا يُشْرِكُونَ " . (سوره حشر ، آیه ۲۳)

او است خدائی که بجز وی خدائی نیست . او است حاکم مطلق پاک و عاری از عیوب . پناهگاه ، ایمنی بخش ، حافظ و نگهدارنده موجودات است ، غالب ، نیرومند و بزرگوار ، پاک و منزّه است از آنچه به وی شریک میورزند

- ۳- " هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ " " الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ ، هُوَ أَلَمُّ خَمْسِ الْمَرْجَمِ " (سوره حد - آیه ۲۲)

او همان خدائی است که غیر از وی خدائی نیست . او بر مسائل نهان و آشکار آگاه است و او است کتابش بگو و مهربان با مایه های

- ۴- " وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَ اللَّهِ " " بَلْ لَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلِّ لَّهُ " " قَانِتُونَ " (سوره بقره - آیه ۱۱۶)

مسیحیان گفتند خداوند برای خود فرزندی برگزیده است . او از این اوهام و نیستیهای ناروا منزّه است ، بلکه آنچه در آسمانها و زمین است تعلق به وی دارد و همگان در برابر عظمتش خاضعند .

- ۵- " اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ، " " لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ ، لَهُ مَا فِي " " السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ " (سوره بقره - آیه ۲۵۴)

خدای یکتا است که جز او خدائی نیست .

زنده و پاینده است . هرگز او را کسالت خواب فرا نگبرد تا چه رسد که به خواب رود . او است مالک آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است .

۶- " ذَلِكَ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ " (سوره انعام - آیه ۱۰۲)

اینست پروردگار شما ، غیر از او خدائی نیست . و او آفریدگار همه چیز است پس تنها او را عبادت کنید که او است بر همه چیز مسلط و صاحب اختیار .

۷- " لَا تَذَرُكَ الْآبْهَارُ وَهُوَ يَذَرُكَ " " الْآبْهَارُ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ " (سوره انعام - آیه ۱۰۳)

چشمها از درک خدا عاجزند ولی او دیدگان را درک می کند . خدائی است غیر قابل درک و در عین حال آگاه .

۸- " إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ " " فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ " (سوره آل عمران - آیه ۵)

برای خدا چیزی نه در آسمانها و نه در زمین مخفی و پنهان نیست .

۹- " هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ " (سوره آل عمران - آیه ۶)

خداست آنکه می نگارد و نقش می بندد



صورت شما را در رحم مادران ، هرگونه اراده کند ، خدائی که جز آن ذات یکتا نیست ، بهر کاری توانا و به همه چیز دانا است .



آینده جنگ

با ترسیمی که از وضعیت جنگ شد بخوبی میتوانیم حد بزنیم که آینده به سود ما خواهد بود و ما میتوانیم با محاسبه و مطالعه و سنجیدن نتایج و بدون عجله تصمیم بگیریم و اگر مصلحت دیدیم بهمین زودی عراقیها را بیرون می‌کنیم و در مرزهایمان می‌ایستیم و اگر مصلحت دیدیم وارد خاک عراق شویم و منطفقای را بگیریم و بایستیم تا خساراتمان را بگیریم و صدام و حزب بعث را کیفر دهیم و اگر بیشتر مصلحت دیدیم بیشتر عمل میکنیم همه این تصمیمات به شرایط و مصالح بستگی دارد .

اگر عراق اینقدر که با ما جنگید، با اسرائیل جنگیده بود، اسرائیل نابود شده بود

بستگی دارد .

ره آوردهای جنگ

تجربهای که در این جنگ بدست آوردیم و دنیا هم برایش این تجربه حاصل شد بسیار با ارزش است و در اثر این تجربه تصور نمیرود که حتی ابر قدرتی هم فکر تجاوز به ما را نکند . با این کیفیتنی که مردم ما می‌جنگند فرض کنید آمریکا یک ملیون نظامی در ایران پیاده کند ولی بیش از آنچه که مزدوران بعضی کردند نمیتواند انجام دهد گذشته از آن که آمریکا به این اندازه نمیتواند نیرو بیاورد و کسک رسانی و تدارکاتش هم به این آسانی نیست و

دنباله تفسیر



۱۰ - " وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ " (سوره غافر - آیه ۶۸)

هرگاه بخواید موجودی را خلق کنید می‌گویید پدید آی پس موجود میشود .

۱۱ - " اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بَلِغَاءٌ لِّبَيِّنَاتٍ تَوَفَّنُون " (سوره رعد - آیه ۲)

خداست آنکه آسمانها را چنانچه می‌نگرید بی‌ستون برافراشت ، آنگاه به عرش برداخت و ماه و خورشید را مطیع و فرمان بردار خود ساخت که همگان تا مدت معینی در سیر و جریانند . تدبیر همه امور در دست خداست بدینگونه آیات خود را تفصیل و توضیح می‌دهد تا شما به ملاقات پروردگارتان یقین یابور کنید .

۱۲ - " قُلِ اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ " (سوره یونس - آیه ۲۴)

ای رسول (به کافران) بگو تنها خداست که به جهان هستی ، هستی می‌بخشد ، سپس هستی را از آن باز می‌ستاند ، پس شما به کجا رو می‌گردانید ؟

۱۳ - " وَهُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ، لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ، بِدَبْرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ " (سوره قصص - آیه ۷۰)

او است خدای یکتا که جز او هیچ خدائی نیست ، هم ستایش در اول و آخر عالم مخصوص او است ، و هم حکم و سلطنت جهان با او ، و هم رجوع اهل عالم به سوی او است .

این بود بینش قرآن در نشان دادن صفات خداوند و ارائه حاکمیت الله بر همه هستی در مقاله بعدی نظر انجیل و تورات را در باره صفات خداوند و نقش الله در هستی بیان خواهیم کرد .

ادامه دارد

بنا بر این همه فهمیده‌اند که با ایران نمیشود جنگید .

این جنگ شیوه جدیدی را به ملت‌های دنیا آموخت و هر یک از کشورهای عربی که واقعا بخواهند با اسرائیل بجنگند با همین شیوه‌ای که ما جنگیدیم میتوانند اسرائیل را شکست بدهند چون اسرائیل یک کشور سه ملیونسی است که بیش از یک ملیون آنها از خود اسرائیل نیستند و از اطراف هم بسته و محصور است و اگر روزی یک جنگ جدی واقع شود بیش از ۸ - ۱۵ روز نمیتواند تحمل کند و بعد از آن خفه میشود .

سوریه ، اردن یا مصر اگر بخواهند با همین شیوه چند ماه ، جنگ را با اسرائیل ادامه دهند کار اسرائیل تمام است و اگر عراق این قدر که با ما جنگید با اسرائیل جنگیده بود اسرائیل نابود شده بود .

یکی دیگر از آتاری که شیوه جدید ما در جنگ ، پدید آورده این است که شاید دیگر در آینده جهان زیر بار اسلحه‌های پیچیده نرود و این موضوع یک تحول اقتصادی عظیمی را در پی خواهد داشت .

آثار این جنگ در جامعه و مردمی شدن ارتش و آثار دیگری که به برخی از آنها اشاره شد از نکات دیگر این جنگ است که هر کدام از آنها نیاز به بحث مستقلی دارد .

یکی دیگر از مسائل مربوط به این موضوع خیانت‌های بنی صدر است در یکسال اول جنگ و تلف کردن بهترین موقعیت ارتش و سپاه و انبارهای پر از اسلحه است که باید جدا گانه مورد بررسی قرار گیرد .

پایان

